

تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی: نقد و توجیه رویه قضایی

سعید سیاه بیدی کرمانشاهی*

چکیده

اشخاص مکلف به بی طرفی چنانچه دارای نفع شخصی مستقیم یا غیرمستقیم در دادرسی باشند اظهارات و عملکرد آنان مورد ظن و شائبه قرار گرفته و قابل اعتماد نخواهد بود؛ لذا لازم است تعارض منافع اشخاص مکلف به بی طرفی با مقررات دقیق مدیریت شود؛ بسیاری از مقررات ناظر بر عدم صلاحیت قضات و جرح شهود در همین راستا تبیین شده‌اند. یکی از مواردی که می‌تواند باعث تعارض منافع شاهد شود وجود رابطه خویشاوندی میان شاهد و مشهوده است که در رویه قضایی برخوردهای متفاوتی با آن صورت پذیرفته است. این اختلاف رویه این سؤال را ایجاد می‌نماید که وجود رابطه خویشاوندی به عنوان یکی از موجبات تعارض منافع شاهد، چه تأثیری در ارزش شهادت دارد؟ نتیجه پژوهش حاضر آن است که جز در خصوص شهادت شرعی در سایر موارد که همان حالت رایج شهادت (شهادت عرفی) است با توجه به در معرض اتهام بودن شاهد به دلیل رابطه خویشاوندی با مشهوده، علم حاصل از شهادت نیز محل تردید بوده و اتکای لازم را ندارد؛ لذا نه می‌توان به صورت مطلق، رابطه خویشاوندی را مانع پذیرش شهادت دانست و نه این که با تمسک به عدم منع قانونی، تمام شهادت‌های اقربا را معتبر دانست بلکه دادگاه موظف است این مهم را در ارزش شهادت لحاظ نماید و این امر هیچ منافاتی با مبانی فقهی ندارد. البته با عنایت به واقعیات روز جامعه و عدم رونق ارزش‌های اخلاقی و نیز میل طبیعی اشخاص به پیروزی خویشاوندان‌شان،

پیشنهاد می‌شود شهادت اقربا اصولاً با دیده تردید نگریسته شده و تنها در صورتی پذیرفته شود که قرائنی بر خلاف آن وجود نداشته باشد.

واژگان کلیدی: تعارض منافع، شاهد، رابطه خویشاوندی.



ژرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تعارض منافع مجموعه شرایطی است که این خطر را ایجاد می‌کند که تصمیمات یا اقدامات حرفه‌ای یک شخص در ارتباط با منفعت اولیه به صورت ناروا تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد (Field & Lo, 2009: 46). تعریف مزبور اگرچه از حیث رعایت اختصار قابل تقدیر است؛ لیکن تعریفی جامع که متضمن تمام ارکان تعارض منافع باشد محسوب نمی‌گردد.

در مقام ارائه تعریفی جامع که متضمن همه عناصر باشد، باید گفت که «تعارض منافع عبارت از وضعیتی است که در آن یک شخص که مسئول حمایت از منافع دیگران (منفعت اولیه) است قادر به اتخاذ تصمیماتی است که آثار این تصمیمات دامن‌گیر دیگران می‌گردد؛ لیکن به دلیل وجود منافع شخصی، بیم آن وجود دارد که تصمیم‌گیرنده، منافع شخصی خود (منفعت ثانویه) را بر منافع دیگران مقدم بدارد» (سیاه بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۷).

همان‌طور که از تعریف مزبور به روشنی قابل برداشت است تعارض منافع در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی اعم از عرصه سیاست، قانون‌گذاری، پزشکی و ... قابل تحقق است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بررسی تعارض منافع، عرصه قضا و دادرسی است. دادرسی باید به نحوی صورت پذیرد که عدالت محقق گردد در این راستا، جز در خصوص طرفین دعوی و وکلای آنان، سایر اشخاص دخیل در دادرسی اعم از قاضی، دادستان، شاهد و ... مکلف بی‌طرفی و عدم جانبداری هستند.

اشخاص مکلف به بی‌طرفی چنانچه دارای نفع شخصی مستقیم یا غیرمستقیم در دادرسی باشند اظهارات و عملکرد آنان مورد ظن و شائبه قرار گرفته و قابل اعتماد نخواهد بود؛ لذا لازم است تعارض منافع اشخاص مکلف به بی‌طرفی با مقررات دقیق مدیریت شود؛ بسیاری از مقررات ناظر بر عدم صلاحیت قضات و جرح شهود در همین راستا تبیین شده‌اند.

یکی از مواردی که می‌تواند باعث تعارض منافع شاهد شود وجود رابطه خویشاوندی میان شاهد و مشهودله است؛ زیرا اگرچه ممکن است شاهد نفع مستقیمی در پیروزی مشهودله در دعوی نداشته باشد؛ لیکن وجود رابطه خویشاوندی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند ظن جانبداری ایجاد نماید؛

زیرا وجود رابطه خویشاوندی باعث می‌شود شاهد به خویشاوند خود گرایش و میل باطنی داشته و به نوعی پیروزی وی در دعوی را پیروزی خود بداند که این مهم همان منفعت ثانویه و موجد تعارض منافع است.

در رویه قضایی، در آرای متعددی به وجود تعارض منافع در خصوص شاهد توجه شده است که در برخی از این آرا شهادت شهود مورد پذیرش قرار نگرفته و در برخی دیگر رابطه خویشاوندی نادیده گرفته شده و شهادت مورد پذیرش قرار گرفته است. در ادامه این آرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۰۶۰۰۳۳

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۳۱

شعبه صادرکننده: شعبه ۶۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران

متن رأی

«تجدیدنظرخواهی آقای م.م. به وکالت از خانم س.ش. از دادنامه شماره ۱۰۹۲ مورخ ۹۱/۱۱/۱۸ شعبه ۱۰۸۲ دادگاه عمومی جزایی تهران که متضمن صدور حکم به برائت متهم آقای م.ت. از اتهام ایراد توهین نسبت به شاکی موصوف بوده به نظر وارد و موجه نیست؛ زیرا علاوه بر انکار شدید متهم در تمامی مراحل دادرسی هم اظهارات ابوبن تجدیدنظرخواه چندان دلالت روشنی بر توجه اتهام انتسابی به متهم مذکور نداشته؛ مضافاً به این که گواهی آنان به اعتبار قرابت نزدیک نسبی مؤثر در مقام نخواهد بود. از طرفی هم صورت جلسه تنظیمی مرجع انتظامی در برگ ۱۸ پرونده مؤید صرفاً اختلافات و درگیری طرفین بوده و نیز اظهارات شاکی هم در جلسه دادرسی مورخ ۹۱/۱۱/۱۷ هم آن را تقویت می‌نماید. از این رو خدشه‌ای بر ارکان و مبانی رأی نخستین وارد نبوده و این مرجع ... با رد اعتراض مزبور دادنامه تجدیدنظرخواسته را عیناً تأیید و استوار می‌نماید.»

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۰۸۰

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۰۴

شعبه صادرکننده: شعبه ۵۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران

متن رأی

«در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.ص. نسبت به دادنامه شماره ۳۶۵ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۶ صادره از شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن حکم به محکومیت تجدیدنظرخواه

به پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال به عنوان اصل خواسته و سه میلیون ریال هزینه دادرسی در حق تجدیدنظرخوانده آقای م.ز. به شرح دادنامه صادر و اعلام گردیده است. علی‌هذا با عنایت به این‌که مستند محکومیت تجدیدنظرخواه در رأی دادگاه صرفاً شهادت شهود بوده است که تجدیدنظرخواه در جلسه مورخ ۹۱/۴/۲۶ دادگاه بدوی اعلام نموده که شهادت شهود را به علت رابطه فامیلی با تجدیدنظرخوانده (پدر و برادر تجدیدنظرخوانده بودن) قبول ندارد و در لایحه تجدیدنظرخواهی نیز همین مطلب را تکرار و شهود را جرح نموده است بنابراین شهادت شهود از اعداد دلایل تجدیدنظرخواهی خارج گردیده و این دادگاه نیز خواسته خواهان بدوی را بلا دلیل تلقی و اعتراض تجدیدنظرخواه را وارد دانسته و مستنداً به ماده ۱۹۷ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ضمن نقض دادنامه بدوی حکم به رد دادخواست بدوی صادر و اعلام می‌گردد.»

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۴۰۰۱۷۴

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

شعبه صادرکننده: شعبه ۳۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران

متن رأی

«در خصوص تجدیدنظرخواهی الف - متهمین بدوی آقایان ۱- م.ج. ۲- ع.ج. ۳- ع.ع ب - شاکی بدوی آقای م.الف. نسبت به دادنامه شماره (۱۰۵) مورخ ۹۱/۱۱/۲۹ صادره از شعبه ۱۰۸۷ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن ردیف الف به پرداخت دیه و جزای نقدی به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی محکوم شده‌اند، ردیف الف ضمن انکار اتهام وارده در تمام مراحل رسیدگی اظهار داشته‌اند نام‌برده به تلافی شکایت ما مبادرت به تشکیل این پرونده کرده است، از طرفی شاکی بدوی در تاریخ ۹۱/۴/۲۷ مبادرت به شکایت و بدو متهمین را چهار نفر و بعداً سه نفر ذکر کرده (صفحات اول و ۷۸ پرونده)، هیچ کس شاهد ماجرا نبوده صرفاً خانم ف.م. مدعی حضور است که به علت رابطه سببی با شاکی (همسرش می‌باشد) قابل استناد نیست؛ علی‌هذا ... دادنامه معترض‌عنه تجدیدنظرخواسته را نقض و ردیف الف را از اتهام وارده تبرئه و اعتراض ردیف ب را مردود اعلام می‌نماید.»

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۰۵۹

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۳۱

شعبه صادرکننده: شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران

متن رأی

«تجدیدنظرخواهی آقای م.الف. با وکالت آقای م.ج. و خانم ش.ک. به طرفیت آقای ح.ر. با وکالت خانم ن.ب. از دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۴۲۰۰۱۱۰۹ مورخ ۹۱/۱۰/۳ صادره از شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران می‌باشد. بدو [ادعای] آقای ح.ر. با وکالت خانم ن.ب. به طرفیت آقای م.الف. به خواسته مطالبه مبلغ یک صد و سی میلیون ریال با احتساب کلیه خسارت دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه لغایت زمان پرداخت مطرح گردید و بر طبق دادنامه غیابی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۴۲۰۰۰۶۳۲ مورخ ۹۱/۶/۱۴ حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ یک صد و سی میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ دو میلیون و ششصد و پنجاه هزار ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله مطابق تعرفه و خسارت تأخیر از تاریخ تقدیم دادخواست «۹۱/۳/۲۰» لغایت زمان پرداخت بر اساس شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی در حق خواهان صادر و اعلام گردید. با تقدیم دادخواست وخواهی آقای م.الف. بر طبق دادنامه معترض‌عنه با نقض دادنامه وخواسته موصوف حکم بر محکومیت وخواه به پرداخت مبلغ یکصد و بیست و سه میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ دو میلیون و چهارصد و شصت هزار ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله مطابق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست «۹۱/۳/۲۰» لغایت زمان پرداخت بر اساس شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی در حق وخوانده صادر گردید. از توجه به محتویات پرونده و مفاد لوائح تقدیمی وکلای طرفین دعوی در فقه مبین اسلام که عمدتاً خاستگاه مباحث مربوط به ادله اثبات دعوی در قوانین به شمار می‌رود در بحث صحت و اعتبار شهادت اقربای نسبی و سببی هیچ‌گونه اختلاف و ادعایی نیست و تنها محل منازعه فی‌مابین فقها در موضوع خاص شهادت پسر و پدر متمرکز است که آن هم برابر نظر اکثر فقهای متأخر مورد پذیرش قرار گرفته است، وانگهی برابر قانون تشخیص ارزش شهادت گواهان حسب ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی با دادگاه استماع کننده شهادت می‌باشد که در قضیه مانحن‌فیه توجهاً به شهادت صریح و آشکار گواهان عملاً این اعتبار و ارزش نزد دادگاه محترم بدوی ثابت و محقق گردیده است لذا بنا به مراتب فوق چون اعتراض وکلای تجدیدنظرخواه به نحوی نیست که موجب نقض و گسیختن دادنامه فوق‌الاشعار را ایجاب نماید با رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده مستنداً به ماده ۳۵۱ و قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی با اصلاح مبلغ خواسته به مبلغ یکصد و بیست و دو میلیون ریال از بابت اصل خواسته و مبلغ دو میلیون و سیصد و نود هزار ریال هزینه دادرسی در نهایت دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید می‌نماید.»

همانطور که مشخص است آرای فوق‌الذکر که همگی در یک سال و از شعب تجدیدنظر استان تهران صادر شده‌اند دارای اختلاف هستند؛ رأی اول تا سوم رابطه خویشاوندی را از موجبات عدم پذیرش شهادت تلقی کرده‌اند در حالی که رأی

چهارم رابطه خویشاوندی را مانعی برای ادای شهادت تلقی ننموده است.^۱ این اختلاف رویه این سؤال را ایجاد می‌نماید که وجود رابطه خویشاوندی به عنوان یکی از موجبات تعارض منافع شاهد، چه تأثیری در ارزش شهادت دارد؟ برای پاسخ سؤال فوق طی سه مبحث ابتدا به تحلیل قوانین موضوعه در خصوص تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی پرداخته می‌شود، سپس رویه قضایی در خصوص تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در انتها تحلیل فقهی تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی مطرح می‌گردد.

۱. تحلیل قوانین موضوعه در خصوص تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی

قانون‌گذار ایران از گذشته‌های دور تا به امروز به موضوع تأثیر رابطه خویشاوندی در ادای شهادت توجه داشته و در خصوص آن مقرر کرده است. مطابق بند ۱ ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ یکی از موارد جرح شاهد عبارت بود از: «در صورتی که بین گواه و یکی از اصحاب دعوی قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم باشد.» با نسخ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸، در حال حاضر علی‌رغم آن‌که هیچ ممنوعیتی در قوانین برای پذیرش شهادت خویشاوندان وجود ندارد و برعکس صراحتاً در تبصره ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.» لیکن باز هم در قوانین قرینه‌هایی مبنی بر مورد تردید بودن شهادت خویشاوندان دیده می‌شود. مطابق ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند و ... درجه قرابت

۱. لازم به ذکر است اگرچه آرای صادره مربوط به قبل از تصویب آیین دادرسی کیفری است؛ لیکن به عنایت به این‌که شهادت‌های موضوع دادنامه‌های مورد بررسی از سنخ شهادت عرفی بوده و مقررات شهادت عرفی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ تغییری نداشته است، بررسی آرای مزبور با مانعی مواجه نیست.

سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی شاهد یا مطلع با طرفین پرونده را سؤال می‌نماید و در صورت مجلس قید می‌کند.^۱ همچنین مطابق ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه پیش از شروع به تحقیق از شاهد، حرمت و مجازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌نماید و ... درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی او با طرفین را سؤال و در صورت مجلس قید می‌کند.» این مقررات نشان می‌دهد که به هر حال وجود رابطه سببی یا نسبی یکی از مواردی است که تردید منطقی نسبت به جانبداری شاهد مطرح می‌کند و مقنن نیز به این امر واقف است ولی برای آن ضمانت‌اجرایی تعیین نکرده است.^۱ ولی به هر حال «خویشاوندی شاهد با طرفی که به سود او شهادت می‌دهد، این دغدغه را در ذهن دادرس ایجاد می‌کند که احتمال دارد شاهد از منافع فرزند یا همسر یا برادر خود در برابر دیگران دفاع می‌کند و کمتر به بیان واقع می‌اندیشد و همین دغدغه از اعتبار شهادت می‌کاهد، هر چند که مانع پذیرش آن نشود» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۸/۲).

با عنایت به توضیحات فوق، قانون‌گذار به روشنی مسئله تعارض منافع شاهد در حالت وجود رابطه خویشاوندی را به رسمیت شناخته و جز در خصوص شهادت شرعی موضوع ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی^۲ در سایر حالات که شهادت عرفی محسوب می‌گردد تشخیص ارزش شهادت با وجود تعارض منافع را مطابق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی^۳ به قاضی دادگاه واگذار نموده است.

۲. تحلیل رویه قضایی در خصوص تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی

رویه قضایی در واقع همان حقوق زنده است؛ زیرا دانش حقوق زمانی که در

۱. به گفته برخی اساتید «قرابت یا رابطه مذکور تنها ممکن است در ارزیابی صحت اظهارات شاهد و مطلع مؤثر باشد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

۲. ماده ۱۷۵: «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.»

۳. ماده ۲۴۱: «تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است.»

دادگاه‌ها مورد عمل و استفاده قرار گیرد از کالبد بی‌روح خود خارج شده و حیات می‌یابد. در آرای صادره از شعب دادگاه تجدیدنظر استان دیدیم که در سه رأی بدون استدلال و استناد به قانون، به دلیل وجود رابطه خویشاوندی شهادت را فاقد اعتبار تلقی کرده‌اند و در رأی چهارم رابطه خویشاوندی به نحو مستدل^۱ و مستند مانع پذیرش شهادت تلقی نشده است.

همانطور که اشاره شد در حالت وجود رابطه خویشاوندی، صحت اظهارات شاهد به دلیل تعارض منافع محل تردید قرار می‌گیرد و با این شبهه، علم حاصل از شهادت نیز متزلزل می‌گردد. قانون‌گذار شهادت شرعی را دارای موضوعیت دانسته و صرف‌نظر از علم‌آور بودن یا نبودن معتبر دانسته؛ لذا اعتبار این قسم شهادت به دلیل علم حاصل از آن نیست، در نتیجه از قلمرو بحث حاضر خارج است؛ لیکن در خصوص شهادت عرفی که حالت رایج ادای شهادت است، تشخیص ارزش و تأثیر مطابق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به دادگاه واگذار شده است. با عنایت به این مهم لازم است قاضی در هر مورد به طور خاص بررسی نماید که این رابطه خویشاوندی تا چه میزان متزلزل‌کننده شهادت است؛ لذا نه به طور مطلق مانع پذیرش شهادت محسوب می‌شود و نه به طور مطلق قابل پذیرش است.

با عنایت به توضیح فوق، رویکرد قضات در آرای اول تا سوم از حیث توجه به وجود تعارض منافع در حالت وجود رابطه خویشاوندی قابل توجه است؛ لیکن این که بدون هیچ استدلال یا استنادی، صرف وجود رابطه خویشاوندی را مانع پذیرش شهادت دانسته‌اند به هیچ وجه قابل تأیید نیست؛ بلکه برعکس، پذیرش شهادت خویشاوندان بدون نیاز به استناد و استدلال قابل پذیرش است و رد شهادت آنان باید مستدل شود.

رأی چهارم از حیث استناد به ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای تشخیص ارزش شهادت کاملاً صحیح است؛ لیکن عبارت «در فقه مبین اسلام که عمدتاً خاستگاه مباحث مربوط به ادله اثبات

۱. صرف‌نظر از صحیح یا غیر صحیح بودن آن.

دعوی در قوانین به شمار می‌رود در بحث صحت و اعتبار شهادت اقربای نسبی و سببی هیچ‌گونه اختلاف و ادعایی نیست و تنها محل منازعه فی‌مابین فقها در موضوع خاص شهادت پسر و پدر متمرکز است که آن هم برابر نظر اکثر فقهای متأخر مورد پذیرش قرار گرفته است» نشانگر عدم بررسی دقیق موضوع توسط شعبه صادرکننده رأی است؛ زیرا مسئله مزبور در فقه بسیار پیچیده‌تر از آن است که توسط شعبه مزبور عنوان شده است.

صرف نظر از ایراد فوق که در میبحث بعدی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، در مجموع رأی چهارم از حیث استدلال و استناد و نتیجه اخذ شده مطلوب‌تر از سایر آرا ارزیابی می‌شود.

۳. تحلیل فقهی تعارض منافع شاهد به دلیل وجود رابطه خویشاوندی

برای بررسی این موضوع لازم است خویشاوندان نسبی و سببی از هم تفکیک شوند. مستند نظر مشهور برای پذیرش شهادت خویشاوندان نسبی به نفع یکدیگر، روایاتی نظیر روایت‌های زیر است:

الف - صحیحہ الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «تَجُوزُ شَهَادَةُ الْوَالِدِ لِوَالِدِهِ وَ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ وَ الْأَخِ لِأَخِيهِ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۷/۶).

ب - عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رُزَّعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ شَهَادَةِ الْوَالِدِ لِوَالِدِهِ وَ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ وَ الْأَخِ لِأَخِيهِ قَالَ فَقَالَ تَجُوزُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۳/۷).

روایات حاضر و روایات با مضمون مشابه نشانگر آن است که قول مشهور فقهای امامیه دارای مستند محکمی است؛ اگر چه شیخ طوسی در «النهایه» معتقد است که شهادت برادر به نفع برادر و به زیان او، در صورتی پذیرفته است که شخص دیگری که اهلیت شهادت دارد همراه او باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۰).

لیکن بحث در باب خویشاوندی سببی قدری متفاوت است، اگر چه عده‌ای از فقهای شهادت زوج به نفع زوجه و بالعکس را بدون نیاز به همراهی شاهد دیگر می‌پذیرند (خمینی، بی‌تا: ۴۴۴/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰: ۴۹۹)؛ زیرا مقتضی موجود و مانع مفقود است و با وجود عدالت، تهمت نیز منتفی است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۹۷/۱۴). ولی برخی

دیگر از فقها معتقدند که شهادت زوج به نفع زوجه و بالعکس، در صورتی پذیرفته است که شخص دیگری که اهلیت شهادت دارد همراه او باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۰) و برخی دیگر از فقها اشتراط ضمیمه را مختص زوجه دانسته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۱۹/۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲۸۷/۲) و گفته‌اند که چه بسا علت تفاوت زن و مرد در قوت مزاج زوج در جذب شدن به امیال و تحت تأثیر قرار گرفتن باشد (همان) در حالی که ضعف زوجه در قوه مزاج باعث می‌شود که طبع او به موافقت با زوج میل نماید (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۱۴۱۹/۲).

با عنایت به این که مسئله فوق، اختلافی است قانون‌گذار می‌توانست نظری را برگزیند که بهتر به مدیریت تعارض منافع شاهد کمک می‌کند یعنی شهادت هیچ یک از زوجین به نفع دیگری را بدون وجود ضمیمه نپذیرفت. همچنین مشخص شد که شهادت سایر اقربای نسبی به‌صورت کلی از بحث خارج است و قانون‌گذار می‌توانست تا درجه معین مانند قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ شهود سببی را قابل جرح قلمداد نماید؛ لیکن به هر حال مقنن این رابطه را مانع پذیرش شهادت ندانسته است.

نتیجه

قانون‌گذار به روشنی مسئله تعارض منافع شاهد در حالت وجود رابطه خویشاوندی را به رسمیت شناخته و جز در خصوص شهادت شرعی موضوع ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی در سایر حالات که شهادت عرفی محسوب می‌گردد تشخیص ارزش شهادت با وجود تعارض منافع به دلیل وجود رابطه خویشاوندی را مطابق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به قاضی دادگاه واگذار نموده است.

مبنای تمایز شهادت شرعی و عرفی نیز آن است که شهادت شرعی به دلیل احراز عدالت شاهد و نیز فرض قانون‌گذار بر عدم تخطی فرد دارای ملکه عدالت، صرف‌نظر از علم‌آور بودن یا نبودن آن معتبر شناخته شده است. در سایر موارد که همان حالت رایج شهادت (شهادت عرفی) است با توجه به در معرض اتهام بودن شاهد به دلیل رابطه خویشاوندی با مشهوده، علم حاصل از شهادت نیز محل تردید بوده و اتکای لازم را ندارد؛ لذا نه می‌توان به صورت مطلق، رابطه

خویشاوندی را مانع پذیرش شهادت دانست و نه این که با تمسک به عدم منع قانونی، تمام شهادت‌های اقربا را معتبر دانست بلکه دادگاه موظف است این مهم را در ارزش شهادت لحاظ نماید و این امر هیچ منافاتی با مبانی فقهی ندارد.

التهایه با عنایت به واقعیات روز جامعه و عدم رونق ارزش‌های اخلاقی و نیز میل طبیعی اشخاص به پیروزی خویشاوندان‌شان، پیشنهاد می‌شود شهادت اقربا اصولاً با دیده تردید نگریسته شده و تنها در صورتی پذیرفته شود که قرائنی بر خلاف آن وجود نداشته باشد. البته ممکن است برخی بر این نظر باشند که با توجه محل تردید بودن این قسم شهادت بهتر است صرفاً در حالتی مورد پذیرش قرار گیرند که ادله دیگری مؤید شهادت باشد؛ لیکن این نظر پاسخگوی تمام مصادیق نخواهد بود؛ زیرا در برخی دعاوی به خصوص دعاوی خانوادگی دلیل دیگری جز شهادت اقربا وجود ندارد و اگر همین دلیل نیز به صرف تردید پذیرفته نشود، باعث تضییع حقوق یکی از طرفین دعوی خواهد شد مضافاً به این که مستند قانونی برای عدم پذیرش این شهادت نیز وجود ندارد؛ لذا راه حل جامع که با قوانین جاری نیز هماهنگی دارد همان است که شهادت اقربا اصولاً با دیده تردید نگریسته شود و تنها در صورتی که قرائنی بر خلاف مفاد شهادت وجود ندارد، مورد پذیرش قرار گیرند.

منابع

- حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام**، جلد ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۱۸ق)، **المختصر النافع في فقه الإمامية**، جلد ۲، قم: مؤسسه المطبوعات الدينية.
- خالقی، علی (۱۳۹۳)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۳۹۹)، **تعارض منافع در حقوق خصوصی: سامان‌دهی نظریه عمومی، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.**
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى**، بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحکام**، جلد ۶، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، **اثبات و دلیل اثبات**، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، جلد ۷، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۰ق)، **تفصیل الشریعة في شرح تحریر الوسيلة - القضاء و الشهادات**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- محمود، عبدالرحمان، **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية**، جلد ۳، بی‌جا: بی‌تا.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، **تحریر الوسيلة**، جلد ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- یوسفی (فاضل آبی)، حسن بن ابی‌طالب (۱۴۱۷ق)، **کشف الرموز فی شرح مختصر النافع**، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- Field, Marilyn J., Lo, Bernard (2009), **Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice**, National Academies Press.